

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام

سال چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

صفحات ۲۵ - ۴۳

سیره علمی امام سجاد علیه السلام در برابر انحرافات فکری؛ بررسی موردی آسیب شناسی توحید

محمد محمودپور^۱

چکیده

سیره معصومین علیهم السلام به ویژه روایات مستند از ایشان از جمله منابع مورد استفاده در بررسی تاریخ اندیشه اسلامی است. آغاز خلافت بنی امیه و تبدیل خلافت به سلطنت از حساس ترین دوره های مؤثر بر اندیشه سیاسی اسلام بوده است. در آن ایام امامان شیعی علیهم السلام بنا بر وظیفه الهی در جهت حفظ و احیای اندیشه اسلامی در برابر انحرافات اموی اقدامات خاصی انجام دادند. یکی از انحرافات که در زمان امام سجاد علیه السلام به اوج خود رسید، تحریف مسأله توحید و خداشناسی و شکل گیری عقاید انحرافی مشبیه و مجسمه بود. امام سجاد علیه السلام در برابر انحرافات فکری این گروه ها، اقدام به فعالیت های علمی و فرهنگی کرد تا بدون برانگیختن حساسیت دستگاه اموی با آنها مقابله کنند. این نوشتار بر آن است تا جهت گیری امام سجاد علیه السلام در حساس ترین دوره تاریخ اسلام را بر اساس «صحیفه سجادیه» مورد بررسی قرار دهد. در این نوشتار با استفاده از تحلیل محتوایی صحیفه سجادیه، مسأله توحید به عنوان یکی از ابعاد سیاسی - اعتقادی در صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است، تا از این طریق مقدار تأثیرگذاری اندیشه امام سجاد علیه السلام بر جامعه اسلامی عصر اموی و راهبرد ایشان در جهت حفظ مفهوم و جایگاه توحید نشان داده شود. امام سجاد علیه السلام با تسلط بر وضع سیاسی و اجتماعی عصر

۱. استادیار پژوهشکده علوم انسانی. m.mahmoudpour@rch.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۴

خویش، با بهره‌گیری از روش دعا ضمن آسیب‌شناسی توحید به عنوان رکن اصلی جامعه اسلامی، به بازتعریف و تبیین آن توجه کرده‌اند.
کلیدواژه‌ها: امام سجاد علیه السلام، بنی‌امیه، توحید، صحیفه سجادیه.

درآمد

آغاز امامت امام سجاد علیه السلام مصادف با فجیع‌ترین واقعه تاریخ اسلام یعنی واقعه عاشورا بود (مسعودی، ۱۹۶۸: ۲۶۴). آن حضرت هم‌عصر با خلیفه ضد دینی و خون‌ریز، یزید بن معاویه بود که پس از واقعه عاشورا با شدت بیشتری به سرکوبی مخالفانش پرداخت و دو سال بعد از عاشورا کشتاری در مدینه‌النبی به راه انداخت که در تاریخ با نام واقعه حرّه شناخته می‌شود. بدون تردید هیچ عصری از اعصار اسلامی، مانند عصر امام سجاد علیه السلام دچار اضطراب سیاسی و اجتماعی نبوده‌است. این دوره چنان در آشوب‌ها و رویدادهای سهمگین فرو رفته بود که روح آرامش و امنیت از میان رفته و مسلمانان همواره دچار اضطراب و نگرانی بودند و به واقع هرگونه امید به زندگی با عزت از میان رفته بود. در این دوران اندیشه‌های کلامی-سیاسی گوناگونی در حال شکل‌گیری بود و جامعه در زمینه‌های اعتقادی و فرهنگی دچار انحرافات شده بود. از این‌رو امام سجاد علیه السلام بنا به وظیفه الهی با این اعتقادات انحرافی به طور قاطعانه برخورد کردند. افزون بر منابع تاریخی، دیدگاه و بیان امام در برابر انحرافات فکری جامعه را می‌توان در صحیفه سجادیه جستجو کرد.

صحیفه کامله سجادیه شامل ۵۴ دعا، از جمله آثار باقی مانده از قرن اول هجری، و به عقیده شیعیان، اولین مکتوب حدیثی شیعه است. این کتاب از اواسط قرن ششم هجری به صورت فعلی تدوین شد (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۳: ۶۰) و نسخه‌های فراوانی از آن در دست است. بدون شک صحیفه سجادیه شهرت و رواج کنونی خود را مدیون مجلسی اول (متوفای ۱۰۷۰ق) است (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۳: ۵۹؛ معارف، ۱۳۷۷: ۲۲۲). به طوری که پس از آن مورد توجه علمای شیعه قرار گرفته، بارها شرح و تفسیر و ترجمه شد.^۱

افزون بر صحیفه کامله سجادیه، کوشش‌های فراوانی برای گردآوری تمامی دعا‌های منسوب به امام سجاد علیه السلام صورت گرفته است. برخی از آنها چون *ادعیه الامام زین العابدین و الصحیفه السجادیه الجامعه* به ترتیب شامل ۲۶۷ و ۲۷۰ دعا است (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۴۳-).

۱. ر.ک: حکیم، سید محمد حسین؛ نسخه‌های خطی، شروح و ترجمه‌های صحیفه سجادیه؛ کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۳۸۲؛ مدیرشانه چی، کاظم؛ «دعا و نیایش»؛ نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره سی، مشهد: ۱۳۷۴، ص ۱۰-۳۹.

۱۳۸۴: ۱۵ / ۲۱-۱۸؛ مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۳: ۶۰-۵۹). اما از آنجا که هیچ کدام از این آثار به شهرت و مقبولیت صحیفه کامله سجادیه نرسیده، از این رو در این تحقیق، صحیفه کامله سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است.

در این نوشتار با استفاده از تحلیل محتوایی صحیفه سجادیه، مسأله توحید به عنوان یکی از ابعاد سیاسی - اعتقادی صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شیوه ما در این تحقیق، بررسی مقدار تأثیرگذاری اندیشه امام سجاد علیه السلام بر جامعه اسلامی عصر اموی است. چنین بررسی‌هایی از لحاظ روش شناختی مربوط به جامعه‌شناسی معرفت است که در آن نسبت میان فکر و ساختار جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود آن تفکر تا چه حد برگرفته یا برآمده و متناسب با فضای موجود بوده و با چه اهداف و انگیزه‌هایی گفته شده است و در نهایت تا چه حد توانسته به اهداف خود جامه عمل بپوشاند. مهمترین و قدیمی‌ترین کاربرد تحلیل محتوا در متون دینی است (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۲ / ۲۹۳). با استفاده از این روش می‌توان خصوصیات و ویژگی‌های اجتماعی یک دوره را تبیین کرد. به عبارت دیگر، با استفاده از این روش می‌توان ویژگی‌های نویسنده و ویژگی‌های دوره وی را، شناسایی و بررسی کرد و بالطبع آن می‌توان، شرایط کلی فرهنگ آن دوره و عقاید ویژه آن جامعه را مورد بررسی قرار داد (همان، ۲۸۸-۲۹۱).

پیشینه تحقیق

مهمترین علت توجه علمای شیعه در سال‌های اخیر به این کتاب، عبارات و مضامین بلند اخلاقی، عرفانی و تربیتی آن بوده است و در این میان ابعاد سیاسی و اجتماعی آن کمتر مورد توجه واقع شده است. به نظر می‌رسد این نگاه به واسطه مضامین بلند عرفانی و اخلاقی آن یا به واسطه شک و تردیدهای روایی در سند آن بوده و از این رو بیشتر تألیفاتی که تاکنون درباره صحیفه نوشته شده، در مورد مباحث اخلاقی و عرفانی آن بوده است.^۱

«امامت در صحیفه سجادیه»^۲ و «نبوت در صحیفه سجادیه»^۳، دو مقاله از نویسندگان که به بررسی محتوای این دو اصل در صحیفه سجادیه پرداخته و از نظر روش و الگو در این مقاله نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین کتاب سیاست و اجتماع در صحیفه

۱. رک: درگاهی، حسین؛ کتابنامه صحیفه سجادیه؛ نشر رایزن، تهران، ۱۳۷۸.

۲. «امامت در صحیفه سجادیه»، نشریه مطالعات اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۸ ش.

۳. «نبوت در صحیفه سجادیه»، مقاله برگزیده دومین همایش بین‌المللی امام سجاد علیه السلام، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۴ ش.

سجادیه^۱ نیز با همین رویکرد نوشته شد با این وصف که مولف بدون در نظر گرفتن فضای سیاسی و اجتماعی عصر امام سجاد علیه السلام و صرفاً با هدف نشان دادن ارتباط عرفان و سیاست، به گزینش پاره‌ای مطالب مفید اما پراکنده و آشفته بسنده کرده، و با تکیه به دریافت‌های شخصی و برخی استنادات قرآنی، در صدد تحلیل آنها برآمده است. پیش از تحلیل محتوای صحیفه سجادیه و بررسی مسأله توحید در آن، ابتدا وضع سیاسی و اجتماعی آن عصر به تصویر کشیده خواهد شد تا در پرتو آن، مضامین و گفته‌های امام سجاد علیه السلام مورد مذاقه قرار گیرد.

وضع سیاسی - اعتقادی عصر امام سجاد علیه السلام

رهبران جوامع اسلامی، با اهداف و انگیزه‌های مشابه از سوی خداوند برگزیده شده‌اند. آنچه شیوه عملکرد آنان را نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی از یکدیگر متمایز کرده، شرایط و مقتضیات زمانی است. از این رو در تجزیه و تحلیل مواضع سیاسی و اعتقادی امام سجاد علیه السلام شناخت شرایط عصر ایشان ضروری است.

هیچ عصری از اعصار اسلامی، به اندازه عصر امام سجاد علیه السلام دچار اضطراب سیاسی و اجتماعی نبوده است. این دوره چنان در آشوب‌ها و رویدادهای سهمگین فرو رفته بود که روح آرامش و امنیت از میان رفته و مسلمانان همواره دچار اضطراب و نگرانی بودند و به واقع هرگونه امید به زندگی با عزت از میان رفته بود. دوران سی و چهار ساله امامت ایشان مصادف با خلافت عبدالله بن زبیر در مکه و سلسله امویان در دمشق بود. آن حضرت با خلفای اموی دمشق از جمله یزید بن معاویه (حک. ۶۰-۶۴)، معاویه بن یزید (حک. ۶۴)، مروان بن حکم (حک. ۶۴-۶۵)، عبدالملک بن مروان (حک. ۶۵-۸۶) و ولید بن عبدالملک (حک. ۸۶-۹۶) هم عصر بود.

آغاز فعالیت‌های امام سجاد علیه السلام مصادف با فجیع‌ترین واقعه تاریخ اسلام یعنی واقعه عاشورا بود (مسعودی، ۱۹۶۸: ۲۶۴). یزید بن معاویه به عنوان شخصیتی ضد دینی، پس از واقعه عاشورا با سرکوبی دیگر مخالفانش جریانی به راه انداخت که از آن میان می‌توان به واقعه حرّه اشاره کرد. در پی ارتکاب معاصی متعدد از سوی یزید، از جمله قتل امام حسین علیه السلام (مسعودی، ۱۹۴۸: ۷۸ / ۳)، مردم مدینه در سال ۶۳ هجری با تدبیر و حيله عبدالله بن زبیر (طبری، بی‌تا: ۴۷۸ / ۵) و با رهبری عبدالله بن حنظله، در مدینه شورش کردند و با بیرون

۱. رهبر، محمد تقی، سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ش.

کردن حاکم مدینه، یزید را از خلافت عزل و با عبدالله بن زبیر به خلافت بیعت کردند (ابن اثیر، ۱۹۷۰: ۳/۲۱۹). این حرکت مردم مدینه در همان سال به شدت از سوی یزید سرکوب شد و سپاهیان یزید به دستور وی، سه روز چنان شهر پیامبر ﷺ را غارت کردند (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۰۹؛ طبری، بی تا: ۵/۴۸۴؛ سهیلی، بی تا: ۶/۴-۲۵۳) که از آن به بعد مدینه طیبه را مدینه نتنه (= متعفن) می خواندند (مسعودی، ۱۹۴۸: ۳/۷۸) چنان که مسعودی (۱۹۶۸: ۲۶۴) آن را فجیع ترین حادثه پس از شهادت امام حسین ﷺ بر شمرده است.

پس از سرکوبی مردم مدینه، سپاه یزید برای سرکوبی شورش عبدالله بن زبیر به سوی مکه هجوم بردند و در بحبوحه جنگی که منجر به تخریب و آتش گرفتن کعبه نیز شد، با رسیدن خبر مرگ یزید به ناچار سپاه به دمشق برگشت.

در چنین شرایطی کار به آنجا رسید که به تعبیر امام صادق ﷺ جز سه نفر مابقی مردم مرتد شده بودند (کشی، ۱۴۰۴: ۱۱۳). اگرچه امام سجاد ﷺ با درایت وارد دعوای قدرت نشد. با این حال اختلافات زیادی بین شیعیان به وجود آمد تا جایی که شیعیان شش فرقه شدند (نوبختی، ۱۳۸۱: ۲۸، ۵۵-۵۱). از مهمترین این فرقه ها در آن برهه زمانی می توان به کیسانیه اشاره کرد. بعد از واقعه عاشورا، مختار به خاطر تقیّه امام سجاد ﷺ، امامت را از اعقاب پیامبر ﷺ از نسل فاطمه ﷺ به فرزند دیگر امام علی ﷺ، محمد بن حنفیه، منتقل کرد و به این ترتیب اولین انحراف را در مرکزیت تشیع به وجود آورد (جعفری، ۱۳۷۴: ۲۷۷). این انحراف به حدی جدی بود که اکثر شیعیان به جای امام سجاد ﷺ از امامت محمد بن حنفیه پیروی کردند و حتی مختار توانست بقایای توأیین را که امام سجاد ﷺ را امام خود معرفی کرده بودند، به سوی محمد بن حنفیه جذب کند (همان، ص ۲۸۰).

پس از مرگ یزید در سال ۶۴ هجری، خلافت در جهان اسلام دو شاخه شد. عبدالله بن زبیر که از چند سال پیش مدعی خلافت شده بود، با استفاده از اختلاف نظری که در دمشق بر سر جانشینی یزید شده بود، کارش بالا گرفت و با تسلط بر شهرهای مکه و مدینه در حجاز به خلافت نشست و به رقابت با دمشق پرداخت. عبدالله بن زبیر در سختگیری بر رقیبان و مخالفانش از چیزی فروگذار نبود. او شیعیانی را که از بیعت با او امتناع کرده بودند در دره ای پر از هیزم جمع و آنها را تهدید به سوزاندن کرد (مسعودی، ۱۹۴۸: ۳/۸۵). وی حتی چهل روز در خطبه هایش سلام و صلوات بر پیامبر ﷺ را حذف کرد (همان، ص ۸۸). در چنین فضایی امام ضمن فتنه خواندن حرکت های ابن زبیر که به بهانه بیعت انجام می شد، عملاً سکوت اختیار کرده بودند (اربلی، ۱۳۸۱: ۲/۲۵۶).

در بین امویان دمشق، معاویه بن یزید (حک. ۶۴)، با توجه به شناخت درستی که از وضع موجود داشت، علاقه‌ای به خلافت نشان نداد (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۱۱). از این رو خلافت به مروان بن حکم (حک. ۶۴-۶۵) رسید. مروان کسی بود که از زمان حضرت رسول ﷺ به دشمنی با دین خدا پرداخته بود. وی این دشمنی را در خلافت عثمان و سپس در دوران خلافت خود به اوج رساند، تا جایی که در منابر وابسته به حکومتش، آشکارا به امام علی علیه السلام توهین می‌کردند (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷: ۱۳ / ۲۲۰). اگرچه خلافت مروان دیری نپایید ولی بدعتی که او بنیان نهاد با شدت در زمان خلفای بعدی ادامه یافت.

عبدالملک بن مروان (حک. ۶۵-۸۶) در آغاز خلافتش اعلام کرد که چون عثمان خلیفه زبون و تحقیر شده، چون معاویه آسان‌گیر و چون یزید بی‌خرد نیست و بر عکس خلفای گذشته نه با مال و ثروت بلکه با شمشیر همه را مطیع خواهد کرد (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۱۸). وی با تکیه بر سرداری چون حجاج بن یوسف ثقفی (متوفای ۹۴) به ادعاهای خود جامه عمل پوشاند. حجاج به حدی سختگیر و خونریز بود که فقط در عراق صد و بیست هزار نفر را کشت (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۱۱) و در آنجا زندان‌های مختلفی ساخته بود که حدود پنجاه هزار مرد و سی هزار زن که نیمی از آنان مجرد و برهنه بودند، به دستور حجاج زندانی بودند (همان؛ مسعودی، ۱۹۴۸: ۳ / ۶-۱۷۵). وی در سختگیری بر اهل بیت علیهم السلام کار را به جایی رسانده بود که مکرر عبدالملک را برتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می‌کرد و مردم را به طواف گرد خانه وی فرا می‌خواند (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷: ۱۵ / ۲۴۲). وی در آزار شیعیان کار را به جایی رساند که به گفته امام باقر علیه السلام، شنیدن نام زندیق برای او بهتر از شنیدن نام شیعه علی علیه السلام بود. حجاج برای محدود کردن شیعیان بر دست و گردنشان علامت گذاشته (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۲۰) و حتی علی رغم خواست عبدالملک، اصرار بر قتل امام سجاد علیه السلام داشت (اربلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۱۱).

در ایام خلافت ولید بن عبدالملک (حک. ۸۶-۹۶) که سرکشی خدا شناس و ستمگری بیدادگر بود (مسعودی، ۱۹۴۸: ۳ / ۱۶۶)، زمین از ظلم و جور پر شده بود (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۲۳) و انحرافات اخلاقی با محوریت خلیفه به جایی رسیده بود که از محبوب‌ترین کارهای او، بخشش به آوازه‌خوانان بود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۶۰: ۵ / ۱۱۱). ولید، کینه‌توزترین خلفا نسبت به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان‌شان، در نهایت در سال ۹۵ هجری امام را با زهر به شهادت رساند (طبری، ۱۳۸۳: ۸۰؛ شوشتری، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۱۰؛ اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۴۲).

امام سجاد علیه السلام و جریان‌های سیاسی-اعتقادی

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسلمانان ساده دل، با شنیدن کلام خدا و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اسلام

می‌گرویدند، هر چیزی را با اطمینان به راستگویی پیامبر ﷺ پذیرفته و یکسره به دنبال برهان و استدلال منطقی برای اثبات آن نبودند. اما پس از نیم قرن با راهیابی افکار سایرملل، مسلمانان در مسائل مختلف دقیق شده و شبهه‌هایی را مطرح می‌کردند.

هر اندازه مسلمانان از عصر پیامبر ﷺ دور می‌شدند خوی و خصلت‌های مسلمانی را به فراموشی سپرده، به تدریج سیرت‌های عصر جاهلی بین آنها زنده می‌شد (شهیدی، ۱۳۵۹: ۶۰، ۱۰۹). پس از نقض پیمان صلح توسط معاویه و جانشینی یزید، بیش از پیش زمینه برگشت به دوران جاهلیت فراهم شد و امویان در صدد تجدید حیات سنت‌های جاهلی برآمدند. آنها اندک مخالفان خود را با تطمیع یا تهدید به شدت سرکوب می‌کردند. واقعه کربلا انحرافات دینی و اخلاقی و اجتماعی جامعه را به خوبی نشان می‌دهد. مردم این عصر چندان از تربیت اصیل اسلامی دور شده بودند که فرزندان پیامبر ﷺ را کشتند. پس از واقعه کربلا فضای حاکم بر جامعه با وجود سرداران و حاکمان خونریز، فعالیت برای گروه‌های متعدد به ویژه شیعیان بسیار خفقان‌آور و رعب‌آور شده بود. تشکل و انسجام شیعیان رو به سستی گرایید با وجود این در مناطقی جنبش‌هایی صورت گرفت. از جمله در سال ۶۳ هجری مردم مدینه علیه فساد دربار و توهین علنی خلیفه به احکام و مقدسات اسلامی قیام کردند. در این قیام پس از بیرون راندن امویان از مدینه، یزید سپاهی گران قریب به پنجاه هزار نفر به فرماندهی مسلم بن عقبه مری (مسرف) به آنجا گسیل کرد و شهر پیامبر ﷺ را غارت و خون مسلمانان را مباح شمرد. این سرکوبی شدید و بی‌رحمانه، ترس و وحشت زیادی در دل مسلمانان انداخت و تشکل‌های شیعی را متلاشی کرد. در چنین فضایی هیچ حرکت و عملی از دید جاسوسان اموی پنهان نمی‌ماند و هر قیامی به شدت سرکوب می‌شد.

در حدود سال‌های ۶۴ تا ۶۵ هجری قیام توابین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی در کوفه رخ داد؛ توابین کسانی بودند که به سبب همراهی نکردن با امام حسین علیه السلام پشیمان شده و توبه کرده بودند؛ توابین بعد از حادثه کربلا مخفیانه فعالیت کرده و در صدد ایجاد فرصتی برای انتقام خون امام حسین علیه السلام و یارانش بودند. آنها پس از مرگ یزید فرصت را مناسب دیده، در کوفه قیام کردند. به رغم شکست توابین، زمینه قیام مختار ثقفی در کوفه فراهم شد. مختار که در زمان وقوع حادثه کربلا در زندان عبیدالله بن زیاد به سر می‌برد، پس از آزادی، خواهان انتقام از خون امام حسین علیه السلام شد و همه عاملان واقعه کربلا از جمله عبیدالله را از دم تیغ گذراند (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۲ / ۲۰۳). مختار برای مشروعیت بخشیدن به قیام خود به مانند توابین از امام سجاد علیه السلام رهبر شیعیان این عصر درخواست کرد تا رهبری قیام را بپذیرد اما از پذیرش

رهبری امتناع کرد و به تأیید تلویحی آن بسنده کرد. به نظر می‌رسد امام که شرایط را برای قیام مناسب نمی‌دیدند و از شکست قیام مطمئن بودند نخواستند تعداد اندک یاران مخلص خود را از دست بدهند، از این رو ایشان مبارزات فرهنگی و بالا بردن آگاهی مردم را در الویت قرار دادند. در دوره بنی امیه اندیشه‌های کلامی - سیاسی در حال شکل‌گیری بود و جامعه در زمینه‌های اعتقادی و فرهنگی دچار انحرافات شده بود. از جمله در این دوره توحید دچار انحرافات و شبهاتی شده و توحید خالص به دست فراموشی سپرده شده بود. با وجود عالمان درباری دنیا طلب، عقیده به تجسیم^۱ و تشبیه^۲ رواج یافته بود. این گروه‌ها (مجسمه و مشبیه) در توحید قائل به تجسیم بوده و خداوند را به مخلوقات تشبیه می‌کردند. امام سجاد علیه السلام با این اعتقادات انحرافی به طور قاطعانه برخورد کردند. در صحیفه سجادیه، عبارات فروانی در رد عقیده و نظر این گروه‌های انحرافی یافت می‌شود.

خوارج، از دیگر گروه‌های مخالف وضع سیاسی و نظامی بنی‌امیه بودند و برای امویان در نقاط مختلف مشکلاتی ایجاد کرده بودند. خوارج در زمینه اعتقادی بسیار سختگیر و متعصب بوده و ایمان افراد را بر اساس ظاهر و اعمالشان می‌سنجیدند. در مقابله با تندروی خوارج، امویان از اندیشه‌های فرقه مرجئه حمایت کردند. مرجئه به دنبال بحران‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از قتل عثمان اندیشه‌های کلامی و سیاسی شکل گرفته بود (قادری، ۱۳۷۸: ۶۵)؛ تا به عنوان ابزاری کلامی و سیاسی در خدمت سیاست‌های امویان قرار گیرد. در چنین اوضاع و احوالی، بدون تردید یکی از مهمترین وظایف امام سجاد علیه السلام حفظ اصول و عقاید اساسی اسلام بود. در این راستا ایشان ضمن آسیب‌شناسی اصول اسلامی از جمله توحید به باز تعریف، تبیین و تثبیت جایگاه آن پرداخته‌اند.

تحلیل محتوای صحیفه سجادیه

هدف اصلی از تحقیق و کاوش در زندگی معصومین علیهم السلام، شناخت مواضع دینی و اجتماعی و معرفت پیام‌ها و درس‌ها و شیوه عملی ایشان است. زیرا امام یعنی جلودار قافله صالحان به سوی ارزش‌ها و هدایت‌گر خلق به سوی خدا و کسانی می‌توانند اهل ولایت و رهپوی مسیر

۱. بیشتر فرقه‌های اهل تجسیم معتقدند که خداوند مرکب از گوشت و خون است و شکل و صورت دارد و برخی از آنها اعتقاد دارند که خداوند مانند نوری است که می‌درخشد (تهانوی، ۱۹۹۶: ۲۶۱/۱).

۲. مشبیه دو دسته‌اند: گروهی که ذات خداوند را به ذاتی جز او مانند می‌کنند و گروه دیگر که صفات او را به صفات غیر او تشبیه می‌کنند. هر يك از این دو گروه به دسته‌های گوناگون نظیر سبایه، بیانیه، مغیریه، منصوریه و خطابییه تقسیم می‌شوند (بغدادی، ۱۳۴۴: ۱۶۵).

صلاح و هدایت باشند که نخست پیشوای خود را آن گونه که باید بشناسند و براساس شناخت و معرفت، وی را الگوی عملی و اعتقادی خود قرار دهند. مهمترین بعد این شناخت را باید در پیام‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و عبادی جستجو کرد. در ادامه، مسئله توحید و چگونگی تعریف و تبیین آن از نگاه امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تبیین اصل توحید

در دوران امام سجاد علیه السلام اندیشه‌های سیاسی و کلامی در حال شکل‌گیری بود و جامعه در زمینه‌های اعتقادی و فرهنگی دچار انحرافات شده بود. پایه انحرافات و فساد رایج جامعه آن روز، فاصله گرفتن از تعالیم الهی و در رأس آن خداشناسی و توحید بود. جامعه، در زمینه توحید دچار انحرافات و شبهاتی شده و توحید خالص به دست فراموشی سپرده شده بود. با وجود عالمان درباری دنیاطلب، عقیده به تجسیم و تشبیه رواج یافته بود. این گروه‌ها، در توحید قائل به تجسیم بوده و خداوند را به مخلوقات تشبیه می‌کردند. از سوی دیگر، مرجئه که در اثر تندروی خوارج به وجود آمده بود، به طور افراطی، امیدوار به رحمت الهی بودند و قضاوت در مورد اعمال افراد را به خدا واگذار کرده و خود را در مقام داوری نمی‌دیدند (همان).

امام سجاد علیه السلام با این انحرافات، ریشه‌ای و به طور قاطعانه برخورد کرده و در ادعیه خویش، از زوایای گوناگون به توضیح، توصیف و تبیین توحید خداوند پرداخته‌اند تا در مقابل فرهنگ سازی عثمانیان، فرهنگ ریشه‌دار اهل بیت علیهم السلام را به مردم معرفی کرده آنها را با عمق معارف و حیانی آشنا سازد.

در دوران امام سجاد علیه السلام، با گذشت نیم قرن از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دور شدن جامعه از مفاهیم اساسی و محوری دین و بازگشت جامعه به سنت‌های جاهلی، تقریباً آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فراموشی سپرده و جامعه دچار انحراف شده بود. امام سجاد علیه السلام برای مقابله با این انحرافات و آگاه کردن مردم، احکام و معارف دین را از نو پایه‌ریزی، سپس مردم را به سوی آن هدایت کرد.

بدون تردید در يك جامعه بحران زده، نخستین مسئله و مهمترین نیاز انسان، بازگشت و توجه به خداست. با توجه به انحرافات و مشکلاتی که در زمینه خداشناسی برای مردم عصر امام سجاد علیه السلام به وجود آمده بود و نیاز مردم برای معرفت خداوند، امام علیه السلام به بهترین وجه ممکن و از جنبه‌های مختلف خداوند متعال را معرفی کردند. ایشان با زبان دعا و طرح استدالی مضامینی چون دوری از کفر و الحاد نسبت به خداوند، بی‌مانندی خداوند در صفات و ذات،

حضور خداوند در همه جا، قیاس ناپذیری و عدم رؤیت خداوند و نظایر اینها را تبیین کردند. امام سجاد علیه السلام در بیشتر نیایش‌های صحیفه سجادیه، از توحید و خداشناسی سخن به میان می‌آورند؛ از جمله در ابتدای دعای سی و یکم صحیفه سجادیه، با ذکر پنج فراز در توحید، دعای توبه را چنین آغاز می‌کنند:

«لَلهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْأَوْصِيَيْنِ» (نیایش ۳۱ / بند ۱)

«بارالها، ای کسی که وصف و صف‌کنندگان (آنچنان که هست) توصیفش نمی‌کند».

این کلام شریف امام علیه السلام در عین اینکه ناتوانی افکار و عقول اندیشمندان بشری را از شناخت کنه ذات خداوند اثبات می‌نماید، در عین حال ذات او را از وصف و اصفان که لازمه اصل معرفت و شناسایی آفریننده جهان است، نهی نمی‌کند. یعنی امام علیه السلام فرموده است: خدایا تو کسی هستی که و اصفان، نباید توصیف کنند. بلکه فرموده است: خدایا تو کسی هستی که و اصفان، نمی‌توانند آنچنان که هستی و صفت نمایند.

«وَايَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِيْنَ» (نیایش ۳۱ / بند ۲)

«و ای کسی که امید امیدواران از او فراتر نمی‌رود».

انسان نیازمند، از هر مقام کریمی که ناامید شود، دل به مقام اکرم دیگری خوش کرده، دست نیاز به سوی وی دراز می‌کند، تا آنگاه که از همه جا مأیوس گشته، دل به خدا بندد. در آن موقع است که دیگر ناامیدی از وی را مایه بدبختی جاودان دانسته، از این رو به هیچ وجه دست از طلب بر نمی‌دارد و چشم امید از وی نمی‌پوشد. چه آنکه مقامی کریم‌تر از خدا نمی‌شناسد. بندگان صالح پروردگار از نظر اختلاف در مراتب معرفت، دارای مراتب متفاوت از «رجا» هستند: دسته‌ای برای رسیدن به «بهشت» اطاعت و بندگی می‌کنند و گروهی برای رهایی از «جهنم» به عبودیت خدا می‌پردازند و گروه سوم که در مرتبه عالی‌تر از عرفان خدا هستند و در زمره مقربین حق قرار گرفته‌اند، جز ذات خداوند به چیزی نمی‌اندیشند چه آنکه مطلوب و مرجوی برتر از خدا، تصور نمی‌شود.^۱

«وَايَا مَنْ لَا يَضِيْعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِيْنَ» (نیایش ۳۱ / بند ۳)

«و ای کسی که اجر نیکوکاران، نزد وی ضایع نمی‌شود».

تضییع اجر کسی، ممکن است به سبب جهل به استحقاق وی تحقق بی‌یابد و یا به خاطر

۱. وَ قَالَ اِمَامٌ عَلِيٌّ عليه السلام «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ زُهْبَةً فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَبِتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۲۳۷).

عجز از ادای حق، و یا مسبب از رذیله بخل باشد و چون هیچ يك از این سه عیب و نقص، به ساحت پروردگار علیم و قدیر و جواد، راه نمی یابد، طبعاً ضایع شدن اجر نیکوکاران، نزد او امکان پذیر نیست.

«وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ» (نیایش ۳۱ / بند ۴)
«و ای کسی که او نقطه پایان ترس عبادت کنندگان است.»

آنچه که عابدان عارف، با تمام سعی و تلاششان در امر طاعت و بندگی، سخت نگران آنند، همانا عذاب اعراض خدا و آتش فراق خداست. عارفان حق، اگر از تمام موجبات عذاب برکنار و از جمیع عقوبات در امان باشند، باز هم در عمق جان خویش از عوایق وصول به لقای محبوب، بس ترسان و هراسانند؛ تا آنگاه که حلاوت عنایات خاصه حضرت حق را در سراسر وجود خویش احساس کرده و خود را فانی و مستغرق در بحر محبت می بینند. در این حالت خوف از صفحه جانشان برچیده می شود و تا به این مرحله از امن و اطمینان نرسند دائماً با نگرانی جانکاه و خوفی دردانگیز دست به گریبانند.

«وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ» (نیایش ۳۱ / بند ۵)
«و ای کسی که او نهایت خشیت پرهیزگاران است.»

تقوا نیروی ضبط نفس و خود نگهداری از بی پروایی در امر گناه و رعایت جانب خداست. این نیرو طبعاً ملازم با نوعی بیم و هراس است و آدمی را از اقدام به گناه باز می دارد. این حال خوف و نگرانی از عواقب طغیان بر خدا، ممکن است در ابتدای امر از تصور کیفرهای اخروی و یا عوامل دیگر از جهات اخلاقی و اجتماعی، در انسان به وجود آید؛ ولی تدریجاً بر اثر بالارفتن درجه عرفان به مقام ربوبیت و آشنایی بیشتر با قهاریت حضرت حق، آن حال خوف و نگرانی از آینده کار، تبدیل به حال «خشیت» و انکسار و خشوع روح از درك مهابت حضرت قهار می گردد و آدم آگاه هر چند بی گناه را هم می لرزاند.

افزون بر نیایش سی و یکم امام سجاد علیه السلام در دیگر نیایش ها نیز به تبیین اصل توحید و خداشناسی پرداخته اند. از جمله ایشان می فرمایند که: خداوند اول است بی آنکه پیش از او اولی باشد و آخر است بی آنکه پس از او آخری باشد (نیایش ۱ / بند ۱)؛ یکتا و بی همتاست (نیایش ۳۵ / بند ۵)؛ در اداره امور آفرینش شریکی ندارد (نیایش ۲۷ / بند ۸)؛ او نه زاییده و نه زاده شد (نیایش ۳۵ / بند ۵)؛ با هیچ چیز قابل مقایسه نیست و هیچ مثل و مانندی ندارد (نیایش ۲۰ / بند ۲۳).

حتی در موارد زیادی به معرفی توحید محض پرداخته‌اند؛ برای نمونه ایشان می‌فرمایند: «بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» (نیایش ۲۷ / بند ۸)؛ و اینکه او نه زاییده و نه زاده شده، «الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ» (نیایش ۵۲ / بند ۵)؛ و «لَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُودًا» (نیایش ۳۵ / بند ۵)؛ و با هیچ چیز قابل مقایسه نیست، هیچ مثل و مانندی ندارد، «لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا» (نیایش ۲۰ / بند ۲۳) و «فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفَى الْأَعْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْكَ» (نیایش ۴۷ / بند ۷۴).

امام علیه السلام در صحیفه سجادیه، در جاهای متعدد از وحدانیت، ربوبیت، شرك و الحاد، ذات خداوند، صفات خداوند، تسبیح و تقدیس خداوند، اسماء حسنی خداوند، حب الهی، اولیت، آخریت، قادر بودن خداوند، علام، رحیم، غنی، توکل بر خداوند، کبریایی خداوند، قوی بودن، عزیز بودن، عدل الهی، حکیم، قضا و قدر، حلیم و نظایر اینها در ساحت توحید و خداشناسی، نکات دقیق و ظریفی بیان کرده‌اند.

۲- جایگاه توحید در جامعه

برای شناسایی جایگاه و منزلت توحید در عصر امام سجاد علیه السلام و میزان رابطه مردم با خداوند و اینکه تا چه حد نسبت به او معرفت داشته و به صفات و ویژگی‌های خداوند متعال واقف بوده‌اند؛ می‌توان به نیایش‌های امام مراجعه کرد. نیایش‌های امام علیه السلام در این موضوع را می‌توان ذیل دو عنوان خداوند پناهگاه و مأمّن نیازمندان و مستجاب‌الدعوه بودن دسته بندی و تحلیل کرد و از این طریق جایگاه توحید را در آن عصر و در بیانات امام علیه السلام تبیین کرد.

الف - خداوند پناهگاه نیازمندان

در آن عصر که حکام ستمگر اموی بر مردم به ویژه فقرا و ضعفا ظلم و ستم زیادی می‌کردند و خود را تنها رفع‌کننده مشکلات و پیشامدها دانسته و مقام والایی برای خود قائل بودند، امام علیه السلام در ادعیه خود خداوند را به عنوان تنها پناهگاه امن از شر حاکمان ستمگر و شیطان معرفی کرده و چاره مشکلات را در دست خداوند می‌داند: «وَأَعِذْنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ» (نیایش ۲۳ / بند ۶)، «وَأَسْتَجِيرُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ ذَلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ» (نیایش ۳۰ / بند ۳)، «وَلَا يَفْرَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ انْتِصَارِكَ» (نیایش ۴۹ / بند ۱۰، و نیز ر.ک. نیایش ۷ / بند ۴، نیایش ۱۶ / بندهای ۲ و ۴، نیایش ۲۰ / بند ۲۶، نیایش ۲۱ / بند ۴، نیایش ۲۲ / بند ۵، نیایش ۵۲ / بند ۹، نیایش ۵۴ / بند ۶، نیایش ۵۲ / بندهای ۱۱، ۱۲، نیایش ۵۱ / بند ۸، نیایش ۴۹ / بند ۳،

نیایش ۳۲ / بندهای ۱۵، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲، نیایش ۳۱ / بندهای ۹، ۲۰).

ایشان همچنین خداوند را آخرین و تنهاترین پناهگاه برای گناهکاران و نیازمندان دانسته و برای رهایی از خشم خدا و آتش دوزخ به خداوند پناه برده است: «وَأَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْزِي» (نیایش ۴۸ / بند ۱۹)، «وَأَعِدَّنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ» (نیایش ۲۵ / بند ۱۲)، «لَا تَدَأْ بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ» (نیایش ۴۷ / بند ۷۰).

ب- مستجاب الدعوه

در آن اوضاعی که مردم از همه چیز دلسرد و ناامید شده بودند و بی اعتمادی در بین آنها وجود داشت امام علیه السلام به مردم یادآوری می‌کنند که به شرط درخواست از درگاه خداوند با تضرع و زاری و اینکه همیشه به یاد او باشیم خداوند اجابت‌کننده دعا و برآورنده نیاز انسانهاست. سپس به آنها اطمینان می‌دهد که دعاها و درخواست‌هایشان حتما از سوی او شنیده و برآورده می‌شود. «سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُونَ الَّذِينَ أُوجِبَتْ إِجَابَتُهُمْ، وَأَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ» (نیایش ۱۰ / بند ۵)، «يَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ» (نیایش ۱۲ / بند ۱۰)، «أَنْتَ الَّذِي أُجِبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي» (نیایش ۵۱ / بند ۴)، «فِيَمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: اذْعُونِي أَشْتَجِبْ لَكُمْ» (نیایش ۳۱ / بند ۱۱؛ برای موارد بیشتر ر.ک: نیایش ۷ / بند ۹، نیایش ۱۱ / بند ۶، نیایش ۲۵ / بندهای ۹، ۱۲، نیایش ۳۱ / بند ۳۰، نیایش ۴۵ / بند ۵۷، نیایش ۴۶ / بند ۲۷، نیایش ۴۸ / بندهای ۱۵، ۲۹، نیایش ۴۹ / بند ۱۰، نیایش ۵۱ / بند ۱۱).

۳- آسیب‌شناسی توحید در بیان امام سجاد علیه السلام

بدون تردید در يك جامعه بحران زده، نخستین مسئله و مهمترین نیاز انسان بازگشت و توجه به خداست. با توجه به انحرافات و مشکلاتی که در زمینه خداشناسی برای مردم عصر امام سجاد علیه السلام بوجود آمده بود و دقت و کنجکاوی مردم برای معرفت خداوند، با دلایل و براهین منطقی مختلف، امام علیه السلام به بهترین وجه ممکن خداوند متعال را از جنبه‌های مختلف مد نظر قرار داده من جمله درخواست دوری از کفر و الحاد نسبت به خداوند، بی‌مانندی خداوند در صفات و ذات، حضور خداوند در همه جا، قیاس‌ناپذیری و عدم رؤیت خداوند. امام تمامی این مضامین را در ضمن استدلالاتی روشن بارها در نیایش‌ها تکرار کرده‌اند که در ادامه به مواردی از هر کدام اشاره خواهد شد.

الف- کفر و الحاد

باگسترش فتوحات توسط حکام اموی، افکار و عقاید و فرهنگ‌های بیگانه وارد

سرزمین‌های اسلامی شد و بر اعتقادات مسلمانان تأثیر گذاشت. در این شرایط که جامعه دچار انحطاط فکری و اخلاقی شده بود امام علیه السلام به تبیین اصول اعتقادی اسلام پرداختند. ایشان در دعاهایشان بر نجات از منجلاب کفر و الحاد و دور شدن از امور نفاق انگیز تأکید می‌کردند. «و اعصمنا به من هوة الكفر و دواعی النفاق» (نیایش ۴۲ / بند ۱۲). واژه‌های کفر، کافر، شرك و مشرك در کلام آن حضرت بیشتر در وصف مشرکان قبل از اسلام و مبارزه پیامبر با به کار رفته و گاهی نیز درباره غیر مسلمانانی که در سرزمین‌های دیگر سکنی داشتند به کار رفته که امام علیه السلام مسلمانان را به جهاد با آنها و دفاع از اسلام تشویق کرده است. «و استنصاراً علی اهل الكفر بک» (نیایش ۲ / بند ۱۳)، «و هجم علیهم فی بئحوة قزارهم، حتی ظهر أمرک و علت کلمتک، و لؤ کره المشرکون» (نیایش ۲ / بند ۱۷)، «فمل بالغضب إلی المشرکین، و ادرزحی نقتک علی الملجدين» (نیایش ۳۶ / بند ۳).

در مواردی نیز امام از مسلمانان می‌خواهند تا از شك و الحاد در عظمت خداوند دوری کرده تا اعتقادی خالص و پاک به دست آورند: «اللهم صل علی محمد و آله، و جنبتنا الإلحاد فی توحیدک، و التفتیر فی تمجیدک، و الشک فی دینک» (نیایش ۴۴ / بند ۱۳)، «و احجبتنا علی الإلحاد فی عظمتک» (نیایش ۵ / بند ۱)، «و الحمد لله علی ما عرفتنا من نفسه، و ألهمنا من شکره، و فتح لنا من أبواب العلم برؤوبیتیه، و دلنا علیه من الإخلاص له فی توحیدیه، و جنبتنا من الإلحاد و الشک فی أمره» (نیایش ۸ / بند ۱۱).

ب- بی‌مانندی خداوند در صفات و ذات

امام علیه السلام در برابر افکار و عقایدی که برای خلفا و رهبران بعضی فرقه‌ها، مقامی آسمانی قائل شده و در توصیفشان اغراق کرده و آنها را تا درجه‌ی خدایی بالا می‌بردند، به بیان یگانگی خداوند در صفات عظیم و والا پرداخته و تنها او را لایق این صفات می‌دانند. در مواردی عظمت و بزرگی خداوند و عجز و وصف‌گویان از توصیف او بیان شده و اینکه هیچ چیز و هیچ کس قادر به وصف خداوند نیست و خداوند در صفات کمال مطلق بوده و نظیر و مانندی ندارد. «الذی قصرت عن رؤیتیه أبصار الناظرین، و عجزت عن نعتیه أوهام الأوصافین» (نیایش ۸ / بند ۲)، «اللهم یا من لا یصفه نعت الأوصافین» (نیایش ۳۱ / بند ۱)، و نیز ر.ک. نیایش ۳۲ / بندهای ۶-۷).

ج- عدم رؤیت خداوند

از اصول مهمی که در ذیل مبحث یگانگی خداوند و وصف صفات او مطرح می‌شود عدم رؤیت خداوند است که خود از مبانی اعتقادی شیعه به شمار می‌رود. اشاره حضرت به این

مسئله در پاسخ به گروهی است که خدا را تجسیم و تشبیه به مخلوقات کرده و احادیث زیادی را نیز در این مورد نقل کرده‌اند مانند این روایت که «خداوند عزوجل در کجاوه‌ای از فرشتگان به آسمان دنیا فرود می‌آید و عرش زیرین او چون ساز و برگ تازه شتر صدا کرده...» (رازی، ۱۳۸۲: ۸۲)، در ضمن نیایش‌های چون «الذی قَصْرَتْ عَنْ رُؤْيِيهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ» (نیایش ۱/ بند ۲) و «يَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيِيهِ الْأَبْصَارُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَدْنِنَا إِلَى قُرْبِكَ» (نیایش ۵/ بند ۴) به دیده نشدن خداوند تأکید کرده‌اند. همچنین ایشان در مورد لقای پروردگار عباراتی با این مضمون که دیدار خدا در آخرت نه به صورت جسمانی و مادی بلکه امری روحانی است و با حقیقت ایمان درونی می‌توان او را دریافت، آورده‌اند: «مَوْلَايَ وَ إِرْحَمْنِي فِي حَشْرِي وَ نَشْرِي، وَ اجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي، وَ فِي أَجْبَائِكَ مَضْدَرِي، وَ فِي جَوَارِكِ مَسْكِنِي، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (نیایش ۵۳/ بند ۸).

د- قیاس ناپذیری

در دوره امامت امام سجاد علیه السلام، فرقه‌های کلامی - سیاسی بسیاری در حال شکل‌گیری بودند، برخی از آنها مثل فرقه‌های مجسمه و مشبیه در توحید دچار انحرافات و شبهاتی شده برای خداوند مثل و مانند آورده و او را به مخلوقات تشبیه کرده‌اند. همچنین در مورد خداوند به تجسم و حرکت و انتقال حلول در اجسام و غیر آن قائل شده‌اند.

امام علیه السلام در رد این عقاید انحرافی چنین عباراتی آورده‌اند: «اللَّهُمَّ وَ إِيَّاكَ مِنَ الضَّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَ عَلَيَّ الْوَهْنِ بَيَّنَّنَا، وَ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعُزَّتِكَ» (نیایش ۹/ بند ۵)؛ «فَلَا مُضْدِرَ لِمَا أُوْرَدَتْ، وَ لَا مُبَسِّرَ لِمَا عَسْرَتْ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَدَلَتْ» (نیایش ۷/ بند ۷). در این عبارات نامحدود بودن قدرت و عظمت خداوند و ناتوانی مخلوقات در خشم و بخشش در برابر او بیان شده است. همچنین در برخی موارد یگانگی خداوند به همراه مثل و مانند نداشتن او و اینکه هیچ چیز با او قابل مقایسه نیست ذکر شده است: «انت الذی لا ضد معك فيعاندك، ولا عدل لك فيكاثرك، ولا ند لك فيعارضك» (نیایش ۴۷/ بند ۲۱)، «فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَ الْأَصْدَادِ، وَ تَكَبَّرْتَ عَنِ الْأَمْثَالِ وَ الْأَنْدَادِ، فَسُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (نیایش ۲۸/ بند ۱۲)، و نیز: «ك: نیایش ۴۷/ بندهای ۲، ۲۰، ۷۴، نیایش ۲۰/ بند ۲۳، نیایش ۳۲/ بند ۵، نیایش ۳۶/ بند ۵، نیایش ۴۶/ بند ۱۲). بعضی از این عبارات (بندها) در بخش تبیین اصل توحید به دلیل اهمیت و مشابهت در موضوع آمده است.

ه- حضور خدا

خداوند در همه جا حاضر است و بر آنچه آشکار و نهان است آگاه و بر اعمال ما نظارت دارد.

در عصر حکومت امویان انحرافات به قدری در جامعه رایج شده بود، که اکثر مردم اعمال بسیاری را بدون توجه به درستی و مقبولیت آن از سوی خداوند انجام داده و گناهان کوچک نزد آنها بسیار بی ارزش بود، حتی آنها احکام اساسی اسلام را نیز اجرا نمی کردند. امام علیه السلام برای آگاه کردن آنها و نمایاندن حضور خدا و نظارت او بر اعمال انسان هر چند که کوچک و نهان باشند و ثبت و رسیدگی به همه کارها در ستاخیز، عباراتی را با این مضامین بیان داشته اند: «و یا مَنْ تَطَهَّرَ عِنْدَهُ بِوَاطِنِ الْأَخْبَارِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ لَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ» (نیایش ۵ / بند ۶)؛ «يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَطَلِّمِينَ» (نیایش ۱۴ / بند ۱)؛ برای موارد بیشتر ر. ک: نیایش ۶ / بندهای ۲۰، ۶، نیایش ۱۴ / بند ۲، نیایش ۳۱ / بندهای ۱۷ و ۱۸، نیایش ۳۲ / بند ۱۱، نیایش ۵۰ / بند ۴، نیایش ۵۲ / بند ۱). امام در جای دیگری بیان می کنند که فرشتگان الهی اعمال ما را ثبت می کنند: «اللَّهُمَّ يَبْسُرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَثُوتَنَا، وَ أَمْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا، وَ لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا» (نیایش ۶ / بند ۱۴). افزون بر اینها اما در چندین نیایش از خداوند درخواست می کنند تا همیشه و همه جا بر اعمال ما ناظر بوده و هیچ گاه ما را به خود وامگذارد: «اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَ مِنْ خَلْفِنَا وَ عَن أَيْمَانِنَا وَ عَن شَمَائِلِنَا، وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاجِئِنَا حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعْمَلًا لِمَحَبَّتِكَ» (نیایش ۶ / بند ۱۶).

نتیجه

خلافت بنی امیه با فراز و نشیب های زیادی آغاز شد. صلح امام حسن علیه السلام و انتقال خلافت به معاویه و به دنبال آن واقعه فجیع عاشورا و سرکوبی اهل بیت علیهم السلام نشان دهنده سمت و سوی خلافت بنی امیه بود. خلافت موروثی و سلطنتی بنی امیه به هیچ کدام از ارزش های مادی و معنوی اسلام وقعی نمی گذاشت. افزون بر سرکوبی اهل بیت علیهم السلام و شیعیان شان، سرکوبی شورش مدینه معروف به واقعه حرّه، به آتش کشیدن خانه خدا در مکه و تجمل گرایی و دنیا طلبی سران بنی امیه از بارزترین جلوه های ابتدال آن دوره است. بدون تردید امام سجاد علیه السلام در حساس ترین دوره تاریخ، سخت ترین دوره امامت را بر عهده داشت و می بایست برای احیای اسلام راستین کارش را از صفر آغاز کند؛ تا هم اندیشه شیعی را از جذب شدن در مذهب حاکم (تسنن) حفظ کند هم آن را از دیگر فرقه های انحرافی شیعه چون زیدیه و کیسانیه و غلات متمایز و مشخص سازد. امویان با دامن زدن به عقاید انحرافی چون مشبهه و مجسمه به دنبال تحرف عقاید مردم بودند تا از این طریق جایگاه پیشوایان دین و امامان معصوم را

خدشه‌دار کنند. از این رو یکی از اقدامات امام سجاد علیه السلام مقابله با چنین افکار انحرافی بوده است. توحید از مهمترین مسائلی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله از ابتدای رسالت خود به آن توجه کرده و مردم را به سوی آن رهنمون کرد. با گذشت زمان و فاصله گرفتن از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سادگی خاص آن، به تدریج توجه به توحید از حالت خالص و ساده خود خارج شد. با رواج فساد و انحرافات در جامعه عصر اموی و رشد عقاید و افکار جدید در نتیجه گسترش فتوحات، شبهات و سؤالاتی در زمینه خداشناسی و توحید مطرح شد. گروه‌هایی نیز مثل مشبهه و مجسمه با عقاید انحرافی شکل گرفتند. از این رو امام سجاد علیه السلام برای مقابله با عقاید این گروه‌ها، فعالیت‌های فرهنگی را بدون برانگیختن حساسیت دستگاه اموی آغاز کردند. در واقع ایشان آموزش احکام و اصول اصیل اسلامی را از صفر شروع کرده و خداوند را از جنبه‌های مختلف معرفی کردند. با این مضامین که او یکتا و بی‌همتاست، مثل و مانند ندارد، صاحب قدرتی نامحدود و قیاس ناپذیر است بطوری که هیچ کس قادر به توصیف و درک او نیست. علاوه بر اینها، او آخرین پناهگاه نیازمندان و گناهکاران بوده و خواسته‌های بندگان مخلصش را اجابت می‌کند.

منابع

- ابن ابی الحدید (۱۹۶۷م/ ۱۳۷۸ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، قم، داراحیاء الکتب العربیه.
- ابن اثیر (۱۳۱۹ق/ ۱۹۷۰م)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، تحقیق ابراهیم النبأ و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۵ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر.
- ابو الفرج اصفهانی (۱۹۶۰م)، *الاعانی*، بیروت، دارالثقافه.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمه*، علّق علیه حاج سید هاشم رسولی، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
- اصفهانی، محمدتقی (۱۳۶۱)، *نورالابصار فی فضیله الانتظار*، یزد، مؤسسه خیریه علمی و دینی مهدیه اشکذر.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۴۳-۱۳۸۴ش)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ویرایش احمد منزوی، تهران، دانشگاه تهران.
- بغدادی، ابومنصور (۱۳۴۴)، *الفرق بین الفرق*، ترجمه محمد جواد مشکور، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶م)، *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون والعلوم*، تحقیق علی دحروج، لبنان، مکتبه لبنان.
- جعفری، حسین محمد (۱۳۷۴ش)، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه محمد تقی آیت اللهی، چاپ هشتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حکیم، سید محمد حسین (۱۳۸۲ش)، *نسخه‌های خطی*، شروح و ترجمه‌های صحیفه سجادیه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- درگاهی، حسین (۱۳۷۸ش)، *کتابنامه صحیفه سجادیه*، تهران، نشر رایزن.
- رازی، ابو حاتم (۱۳۸۲ش)، *گرایش‌ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری*، ترجمه علی آقانوری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان مذاهب.
- رهبر، محمد تقی (۱۳۶۶ش)، *سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه*، تهران، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷ش)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سهیلی، عبد الرحمن (بی‌تا)، *الروض الانف*، تحقیق عبد الرحمن الوکیل، بی‌جا، دارالکتب الحدیث.

- سیوطی (۱۴۱۱ق / ۱۳۷۰ش)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، الطبعه الاولى، قم، مطبعه امیر.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق)، *احقاق الحق*، مقدمه شهاب الدین مرعشی، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- شهیدی، جعفر (۱۳۵۹ش)، *پس از پنجاه سال*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۳ق)، *دلایل الامامه*، نجف، المطبعه الحیدریه.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا)، *تاریخ الرسل والملوک (التاریخ)*، تحقیق محمد ابوافضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.
- علی بن ابی طالب (۱۳۸۷ق)، *نهج البلاغه*، ضبطه نصه و ابتکر فهارسه العلمیه صبح الصالح، بیروت، بی نا.
- علی بن حسین علیه السلام (۱۳۸۱ش)، *صحیفه سجادیه*، ترجمه اسد الله مبشری، با مقدمه مهدی بازرگان، تهران، نشر نی.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸ش)، *اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران، انتشارات سمت.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق)، *اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)*، قم، موسسه آل بیت.
- محمودپور، محمد (۱۳۹۴ش)، «نبوت در صحیفه سجادیه»، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی امام سجاد علیه السلام، ج ۲، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
- محمودپور، محمد و صاحبعلی اکبری (۱۳۸۸ش)، «امامت در صحیفه سجادیه»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال ۴۱، بهار و تابستان. مشهد، دانشگاه فردوسی.
- مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۸۳ش)، *میراث مکتوب شیعه*، ترجمه سید علی قرایی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- مدیرشانه چی، کاظم (۱۳۷۴ش)، «دعا و نیایش»، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره سی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۳۸ق / ۱۹۶۸م)، *التبینه والاشراف*، بیروت، دارالتراث.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۶۷ق / ۱۹۴۸م)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، الطبعه الثانيه، مصر، مکتبه التجاریه الکبری.
- معارف، مجید (۱۳۷۷ش)، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران، انتشارات کویر.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۱ش)، *فرق الشیعه*، ترجمه و تعلیقات محمد جواد مشکور، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۵۳۶)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.